

دكتور عبدالرحمن
مشاور در دفتر امور عدلی وقضایی افغانستان.



حق مساوات از دیدگاه اسلام و حقوق بشر

اساس این حق از نظر اسلام عبارت است از اینکه تمامی انسانها در نشأت و خلقت خود مساوی و برابراند، تمامی بشریت اولاده آدم و حواء هستند، همچنان تمامی بشریت نه ماه در رحم مادر می ماند، و از یک موضع بدنیا می آیند مگر در حالات اضطرار که طفل بواسطه جراحی بدنیا می آید. و همچنان مصیر تمامی بشریت یک است که همه شان در آخر میمیرند، و هیچ کس ولو اگر عمر طولانی هم داشته باشد دائم نمی ماند چنانچه که خداوند (ج) در قرآن شریف می فرماید:

: ﴿ كل من علیها فان * ویبقی وجه ربك ذو الجلال والإکرام ﴾^(۱).
همه موجودات که در روی زمین است فنا و ختم شدنی است، مگر ذات پرودگار که صاحب بزرگی و کرامت است.

و همچنان خداوند (ج) در قرآن درباره مساوات بین تمامی انسانها در نشأت و خلقت می فرماید:
یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر وأنثی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا إنا أکرکم عند الله أتقاکم
إن الله علیم خبیر ﴿^(۲).

ای مردمان من شمارا از یک مرد وزن خلق نمودم و شمارا گردانیدم طائفه ها و قبيله ها بخاطریکه یک دیگرتان را بشناسید. و بشک افضل ترین شما در نزد خداوند (ج) پر هیز گار ترین شما است، بشک خداوند (ج) دانا و آگاه است.

از این آیه مبارکه چنین فهمیده میشود که اختلاف رنگ و جنس در میان طائفه ها و قبيله ها نیست مگر بخاطر شناسائی و همکاری و هیچ فرق بین سیاه پوست و سفید پوست نیست و بین سرمایه دار و فقیر، در پیشگاه خداوند همه برابر اند. و همه مخلوق خداوند (ج) و بنده گان اوست، هیچ فرق بین شان از نگاه حسب و نسب نیست و نه از نگاه اوضاع اجتماعی، و فرق بین انسانها در دنیا بعلم و در دنیا و آخرت به تقوی است و بس.

و نفس این مفهوم را رسول (ص) در حدیث شریف ذکر نموده است چنانچه که می فرماید:
[الناس سواسیة كأسنان المشط لا فضل لعربی علی أعجمی ولا لأبیض علی أحمرا إلا بالتقوی
]. انسانها مانند دندانهای مشط باهم برابرند هیچ برتری عربی بالای عجمی سفید پوست بالای سرخ پوست ندارد مگر بتقوی.

رسول (ص) در خطبه حجة الوداع تاکید شدید به این میده نموده است که ما این را خلاصه و مجمل رسالت اسلام هم گفته میتوانیم و درین حدیث رسول (ص) اساس مبدأ مساوات را ذکر نموده است.

أيتها الناس إن ربكم واحد وإن أباكم واحد ، كلكم لأدم وآدم من تراب ، أكرمكم عند الله أتقاكم ،
ليس لعربي على عجمي ولا لعجمي على عربي ولا لأحمر على أبيض ولا لأبيض على أحمر
فضل إلا بالتقوى ، ألا هل بلغت اللهم فاشهد . ألا فليبلغ الشاهد منكم الغائب] (٣) ..

ای انسانها بتحقیق پرودگار شما یک است و پدر شما یک است همه شما از آدم و آدم از خاک،
بهترین شما نزد خداوند(ج) متقی ترین شما است، نیست عربی را بالای عجمی و نه عجمی را
بالای عربی و نه سرخ را بالای سفید و نه سفید را بالای سرخ هیچ فضیلت مگر بتقوی، آگاه باشید
آیا راسانیدم ای بارخدایا تو شاهد باشی، آگاه باشید کسانی که حاضر اند برای غائب برسانند.
همچنان عمر ابن الخطاب (رض) را می بینیم که چطور انصاف میکند و عدالت می نماید با آن
پسر قبطی (مصری) که آنرا پسر عمرو بن العاص (والی مصر در آن وقت) لت و کوب نموده بود
حضرت عمر (رض) پدر و پسر هر دو را می خواهد و تازیانه را بدست قبطی میدهد و در پیش
چشمان عمرو بن العاص از فرزندش قصاص آن مصری را میگیرد مصری را میگوید بزن
همانگونه که شمارا زده است.

همچنان یک یهودی در نزد عمر (رض) از حضرت علی (رض) شکایت می نماید عمر (رض)
هر دو را در محکمه پیش روی خود مینشانند و یهودی را بنامش و حضرت علی (رض) را به کنیه
صدا میکند حضرت علی (رض) به قهر میشود ، عمر (رض) می فرماید: **أغضبت لأني سویت
بينكما في الوقوف أمامي ، فقال علي(رض) : لا غضبت لأني لم تسو بيني وبين اليهودي
فخاطبته باسمه وخاطبتي بكنتي]** (شما به قهر شدید زیرا که من شما هر دو را برابر در پیش
روی خود نشانیدم، حضرت علی (رض) می فرماید که نه خیر من به قهر شدم بخاطری که شما
مساوات نکردید در بین من و یهودی . من را به کنیه و یهودی را بنامش مخاطب کردید). چونکه
مخاطب کردن من به کنیه از بهر تعظیم است پس مساوات برقرار نشدین ما لهذا من قهر شدم .
تابه این حد بود اساس مجتمع مسلمان و صحابه رسول (ص) خاصة در سایه بیرق مساوات
و برابریه قرآن و سنه نبوی (ص) و اعمال شخص رسول (ص) بما ثابت نموده است.
پس مساوات باید در تمام مجتمع عام میشد و نسلها به آن بزرگ میشد و هر انسان حق دیگر را می
شناخت و آنرا حفظ میکرد.

بارزترین مثالها از حیث وضاحت درین مقام موقف صحابی جلیل ابی ذر الغفاری (رض) است،
و قتی که مشاجرہ می نماید همراہ یک غلام سیاه . و مشاجرہ بین شان طول میکشد ابوذر (رض) به
آن برده میگویی ای بچه سیاه تو با من مشاجرہ می نمائی. رسول (صلی الله علیه وسلم) کلام ابی
ذر(رض) را میشنود و بسیار غصه میشود به اندازه که رنگ مبارک سرخ میشود و می فرماید:
**[طف الصاع یا ابا ذر .. طف الصاع (یعنی جاوز الأمر حده) ليس لابن البيضاء علي ابن
السوداء فضل إلا بالتقوى أو بعمل صالح] .**

کار از حد گذشت یا ابا ذر، کار از حد گذشت نیست فرزند سفید را بالای فرزند سیاه برتری
و فضیلت مگر به تقوی و یا عمل صالح و نیکو.

و ابوذر الغفاری این صحابی بزرگ روی خود را به زمین می ماند و از آن غلام میخواهد که
پایش را بالای رویش بماند رویش را پامال کند.

این بود اعتراف اسلام به مبدأ مساوات و برابری. که چه بهتر مسلمین در صدر اسلام این اصل را
رعایت و به آن تمسک مینمودند.

مبدأ مساوات در اسلام بزرگترین اصل بعد از آزادی میباشد. و دارائی اساساتی است که حق آزادی
روی آن استوار است.

چنانچه که خداوند (ج) می فرماید:

يا أيها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيراً ونساء .. ﴿٢﴾.

ای مردمان بترسید از پروردگارتان آن پروردگاریکه شمارا از یک نفس خلق کرده است و از او همسر اورا خلق نموده است و تولد نموده و منتشر نموده از این هر دو مردهای بسیار و زنهای بسیار را.

هچنان حق مساوات در اسلام قائم بر اساس بندگی برای خداوند (ج) است، آن ذاتی که امر نموده که تنها تسبیح و پاکی او را بیان نمایم. چنانچه که می فرماید:

"سبح اسم ربك الأعلى"

تسبیح بگویند بنام پروردگار عالی و بلند تان.

کل انسانها بنده خداوند (ج) است پس برای هیچ یک از انسانها نیست که بالای دیگران طلب علو و بلندی کند و یا تکبر نماید زیرا که همه شان در رتبه و منزلت مساوی اند و همه بنده خداوند (ج) است.

چنانچه که خداوند (ج) می فرماید:

﴿تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً في الأرض ولا فساداً﴾

آن دار آخره را برای کسانی میدهیم که در روی زمین اراده تکبر و علو و فساد را ندارند.

حق مساوات در اسلام از حق مساوات و برابری در دیگر تشریحات بشری این فرق و امتیاز را دارد که به سبب اختلاف و یا تفاوت طبقاتی هیچ نوع استثناء و تجاوز را اجازه نمی دهد.

درین باره حدیث مخزومیة و شفاعة اسامه بن زید و غضب رسول (ص) بهترین شاهد است، چنانچه که رسول (ص) درین باره به اسامه می فرماید:

[أشفع في حد من حدود الله يا أسامة والله لو أن فاطمة بنت محمد سرقت لقطعت يدها] (٥).

آیا شفاعت میکنی ای اسامه در حد از حدود الله قسم به خدا اگر فاطمه بنت محمد (ص) دزدی نماید دستش را قطع می نمایم.

درین حادثه از شاهد و دلیل آنچه است که کفایت می کند به حرص اسلام به تطبیق مساوات بین مردم بدون هیچ فرق و تمیز.

حق مساواتی را که اسلام برای انسان ثابت کرده است اثر مثبت در تطبیق دیگر حقها دارد مثل حق زندگی، حق آزادی، حق اظهار رأی، حق عدم اکراه در دین، حق معیشت که از اندازه کفایت کم نباشد، حق مساوات و برابری در برابر قانون و حق های دیگریکه تمامی انسانها در تطبیق این حقها برابر هستند زیرا که همه بنده خداوند (ج) اند.

اعتراف اسلام به حق مساوات این معنی را ندارد که فرقه های فردی و خلقی در بین انسانها ملغاست. و این معنی را ندارد که همه انسانها مثل یک اجزاء ماشین آلات است، که یک جزء آن از اجزاء دیگر هیچ فرقی نداشته باشد. زیرا که مطلق مساوات مقصود نیست بخاطریکه الله تعالی انسانها را متفاوت در قدرتهای فردی و خلقی و نفسی و غیره خلق کرده است.

پس این فروق در نزد اسلام اعتبار دارد و رعایت آنها ضروری است. به سبیل مثال صحیح نیست مساوات بین شخص بینا و نا بینا در اداء واجباتی که اداء آن احتیاج به سلامت بصر دارد.

هچنان مساوات صحیح بر قرار نمی شود بین یک شخص معیوب و سالم در انجام واجباتی که احتیاج به سلامت جسم دارد.

همچنان صحیح نیست مساوات بین مرد وزن در واجباتی که احتیاج به قوه عضلی دارد و زن این قوه را مالک نیست، و یا واجبات عاطفی که در نزد مرد نسبت به زن ضعیفتر موجود است.

پس از ارشادات دین مبین اسلام برمیاید که انسانها در افرینش یکسان و مساوی خلق شده اند و جز به پرهیزگاری و دانش بر یکدیگر برتری ندارند و این حق مساوات را باید همه انسانها بدانند و به موازین آن عمل کنند تا حقوق اساسی اسلامی و بشری به صورت درست حفظ و رعایت شود.

